

## " هر کس حق دارد ، آزادانه ، مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد "

(بند ۱ از ماده ۲۰ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر)

[komiteye\\_kargari@yahoo.com](mailto:komiteye_kargari@yahoo.com)

چه مصالحی دولتهای مدافع سرمایه را به پای امضای چنین بندها و مفادی از اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و سایر قراردادهای و پیمان نامه ها ، در خصوص رعایت حقوق فردی و بویژه اجتماعی انسانها ، در زمینه های مختلف ، و در ابعاد محلی و بین المللی می کشاند ، وقتی که در مقام اجرا، عاملین تحکیم و تسلط سرمایه ، در جای جای تحقق عملی آنها ، حتی ذره ای بدان پایبندی نشان نمی دهند ؟

مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار ، در ارتباط با آزادی ایجاد تشکل ، بدون کسب اجازه ای قبلی از دولتها ، و بسیاری قرارها و تعهدات اجتماعی نیز ، به چه منظوری تدوین و تنظیم می شوند . واز طرف حکومتها و ارگانهای تابعه ، بر روی کاغذ ، مورد تایید و گاهی حتی تکریم قرار می گیرند ، آنزمان که سرمایه داران و مدافعین نهان و آشکار آنان ، عملاً " ایجاد هیچگونه تشکل مستقل و غیر دولتی کارگران و هیچگونه اجتماعات و تجمع آزادانه ای را از جانب کارگران بر نمی تابند ، مگر به اجبار و از روی استیصال ناشی از قدرت نمایی و مبارزه ی بی امان کارگران و توده های مردم به جان آمده ؟

و سرانجام اینکه ، کدام منافع ، سرمایه داران و عوامل آنان را به امضای قراردادهای متعدد جهانی ، راجع به حقوق و مصالح کارگران و مردم فروشنده ی نیروی کار و ، زنان ، کودکان و . . . از جمله حق اعتصاب ، حق آزادی ایجاد تشکل ، حق آزادی بیان و مطبوعات ، حق آزادی اجتماعات و . . . مجبور می نماید . زمانی که عوامل سرمایه ، آشکارا به تجمع مسالمت آمیز کارگران در شهر سقز ، آنهم در روز جهانی کارگر ، حمله می کنند و آنان را بازداشت می نمایند و اسفناک تر اینکه بعد از گذشت نزدیک به یک سال و اندی ، به زندان طویل المدت و تبعید محکوم می کنند ؟

این کارگران چه گناهی مرتکب شده اند که سرمایه داران و عوامل آنان ، اینچنین کینه توزانه ، به صنوف در حال تشکیل شان حمله می کنند و آنان را مورد پیگرد قرار می دهند؟ مگر معنای امضای این قبیل پیمان نامه ها و قراردادهای ، که دولت جمهوری اسلامی ، بعضاً " تا همین چندی پیش - البته به دلایل و با توجه به در نظر گرفتن مصالحی ، از جمله مهیا نمودن زمینه و بستر مناسب ، جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی - پای آنها را امضاء زده است . خیلی روشن و آشکار این نیست که ، کارگران می توانند آزادانه تشکل ایجاد کنند و یا مثلاً " در اول ماه مه ، روز جهانی کارگر ،

در یکی از مراکز مورد نظر خویش ، جمع شوند و به بیان آلام و دردهای تمامی کارگران - هم طبقه ای های خویش - که دقیقاً از جانب سرمایه داران و نظم مبتنی بر حاکمیت سرمایه ، در راستای انباشت بیش از پیش آن ، یا به زبان عامیانه ، پُر کردن جیب سرمایه داران - به کارگران تحمیل شده است ، پردازند و در تشریح مساعی کارگری و طبقاتی خویش راه چاره و برون رفتی برای آن پیدا نمایند ؟

پس کارگران و فعالین کارگری را - آنهم در روز جهانی کارگر و به جرم اقدام به تجمعی که اساساً برگزار نشده است - چرا بازداشت و پس از نزدیک به دو سال محکوم می نمایید ؟ محمود صالحی جرمش چه بوده است که به ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید محکوم شده است ؟ جلال حسینی چه کرده است که ۳ سال در زندان بماند ؟ و محسن حکیمی ، محمد عبدی پور و برهان دیوارگر گناه شان چه بوده است که می بایست با همه مشکلات و سختی های زندگی مدت دو سال از عمر خویش را در زندان سپری نمایند ؟

البته ما بخوبی واقفیم که پاسخ به همه این سئوالات و ده ها پرسش از این قبیل را جز از طریق مراجعه و آشنایی با قوانین درونی و ذاتی نظام سرمایه داری ، از راه دیگری نمی توان دریافت . تحت حاکمیت یک چنین نظامی ، کارگر همیشه باید فرودست باشد . به شدت استثمار شود و اعتراض که سهل است ، حتی خم بر ابرو نیآورد . همه حقوق و ارزشهایش - تنها تا آنجا که زنده بماند و کار کند - به بهانه های مختلف ، پایمال شود ، تشکل مستقل و آزادانه نداشته باشد و همواره یا پراکنده و متفرق و تنها باشد و یا اگر خیلی دلش برای تشکل های کارگری لک زده است ، به تشکل های دولتی ، کارفرمایی و وابسته - که جز تعامل و همکاری میان طبقه کارگر و سرمایه دار را ، که در حقیقت همان تسلط طبقه ی سرمایه دار ، بر طبقه کارگر است ، ترویج و اشاعه نمی دهند - وارد شود . از حق اعتصاب و سایر حقوق اجتماعی محروم باشد ، بهیچ وجه تجمع نکند ، اگر چه برای روز جهانی کارگر و آلام ، رنجها و مشقات زندگی خویش را بازگو نماید و قس علیهذا ، تا خاطر عزیز سرمایه داران مکدر نشود و احیاناً "اضطراب و تشویش بر آنها مستولی نگردد و مهم تر از همه بر انباشت بی حساب سرمایه و سود سرشار حضرت ایشان خللی وارد نشود ، که روز کارگر و تجمع کارگر و حرف کارگر و بیان آمال و رنجهای کارگر به شدت خاطرشان را مشوش و خواب سرمایه داران را پریشان خواهد کرد و لاغیر . وگرنه تنظیم جدولی ، "در رابطه با هزینه ی زندگی خانواده ها ی پنج نفری" که تنها و تنها گوشه هایی از زندگی فلاکت بار همه ی فروشندگان نیروی کار را در این نظام ستم بار و انسان ستیز بیان می نماید ، چرا می بایست تا این حد خشم و کینه سرمایه داران و عوامل آنان را برانگیزد که موجب شود تا آقای محمود صالحی تنظیم کننده اصلی این

جدول ویکی از محکومین اول ماه مه سال ۸۳ در شهر سقز به همین دلیل و با عنوان "تشویش اذهان عمومی ، دوسال دیگر اضافه بر سایر دستگیرشدگان و محکومین اول ماه مه ، در کنج زندان بماند .

" اتحاد کمیته های کارگری " در همین جا ، از فرصت استفاده نموده ، همه کارگران را به مطالعه ی این جدول مورد نظر بعنوان یکی از موارد جرم و مدارک اتهامی آقای محمود صالحی با عنوان "تشویش اذهان عمومی " (بخوان تشویش اذهان سرمایه داران) و نیز موارد اتهامی سایر محکومین اول ماه مه که در سایت " انجمن کارگری جمال چراغ ویسی " و دیگر سایتها موجود است ، فرامی خواند تا معلوم شود که این عزیزان ، در ارتباط با چه موارد واهی و مضحکی ، اینچنین مورد کینه و انتقام جویی سرمایه داران و عاملین آنها قرار گرفته اند . در واقع ، تشدید محکومیت آقای محمود صالحی ، بدلیل ارائه ی یک جدول از " هزینه ی زندگی خانواده های پنج نفره ی کارگری برای زنده ماندن " دقیقاً " بدین معناست که تحت حاکمیت و سلطه ی مناسبات سرمایه داری هر مدافع سینه چاک سرمایه داران می تواند با عنوان اقتصاد دان و کارشناس مسایل اقتصادی ، گاه به زبان بسیار پیچیده و مغلق هر خزعلاتی را بگوید و به جامعه ، درس اقتصاد سرمایه داری بیاموزد و به عنوان مثال ، به کارگران توصیه نماید " حال که گوشت و مرغ و میوه و مواد لبنی و . . . بدلیل گرانی کمتر در دسترس کارگران است ، لذا کارگران عزیز !!! و خانواده های آنها می توانند ابتکار به خرج داده ، از نان و پیاز بعنوان غذایی جایگزین که هم ارزان تر است و هم تمامی مواد مورد نیاز بدن آنها را تامین می نماید ، استفاده کنند وبا ابتکاراتی اینچنین از سوء تغذیه ی خود و فرزندان خود جلوگیری نمایند و اینقدر هم نگران گوشت ، مرغ و میوه نباشند (سخنان و پیشنهادات آقای دکتر رزّاقی ، به اصطلاح کارشناس مورد وثوق سرمایه داری حاکم در یک برنامه تلویزیونی ، خطاب به جامعه کارگری)

می بینیم که در نظام سرمایه داری ، با توسّل به القاب دهان پرکن اقتصاددان و کارشناس امور اقتصادی و . . . هر لاطائلاتی را می توان برای فریب توده های مردم کارگر و زحمتکش ، به خود آنها داد و مورد تشویق و تکریم هم قرار گرفت ، ولی یک نماینده ی واقعی کارگری ، نمی تواند برای جامعه ی کارگری جدولی ارائه دهد که تنها بخش کوچکی از زندگی کارگران را جهت چاره جویی بر ملا می سازد ، ویا کارگران و نمایندگان آنان نمی توانند در روز جهانی کارگر در محلی جمع شوند و از کار و زندگی خود و مشکلاتی که دامن گیر آنان است صحبت نمایند که در این صورت "تشویش اذهان عمومی کرده اند و " امنیت جامعه را برهم زده اند " و خزعلاتی از این قبیل .

نه ، این ترفندها و بهانه ها دیگر در پیشگاه طبقه کارگر ایران رنگ باخته اند . دیگر این قبیل استدلالات و منطق سرمایه پسند ، هر طور که بَزک شوند و هر اسم و عنوانی هم که داشته باشند ،

کارگران را در توجیه اینگونه اعمال و رفتارهای ضد کارگری، قانع و مجاب نخواهد کرد. جامعه کارگری و کارگران ایران بخوبی می دانند که صدور احکامی تا این حد ظالمانه و ضد کارگری، بخاطر گرمی داشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در حقیقت نقض آشکار حقوق اجتماعی کارگران، و به اعتباری همه ی آحاد جامعه است. صدور این احکام از جانب دستگاه قضایی شهر سقز، که در حقیقت برای مرعوب کردن کارگران و خاموش نمودن صدای اعتراض آنان، علیه ستم و نابرابری طبقاتی و اجتماعی است، همانا توهین به کارگران و کلیت جامعه ی کارگری و انسانی محسوب می شود. بی جهت نیست که سیل اعتراضات و تحرکات کارگران در ایران و سراسر جهان، علیه این احکام به راه افتاده است. این احکام ضد کارگری و ضد انسانی باید هرچه زودتر وبدون هیچگونه قید و شرطی لغو گردند و از جانب دستگاه قضایی و ارگانهای ذیربط، از کارگران محکوم شده، رفع اتهام شود. روز جهانی کارگر روز اتحاد طبقاتی و روز همبستگی جهانی کارگران، علیه ظلم، بی عدالتی و ستم طبقاتی است. هیچ کس و هیچ نهادی حق ندارد کارگران را از شرکت در جشن گرمی داشت این روز، بازدارد. چه رسد به اینکه آنها را در بازداشت، محاکمه و به زندان های طویل المدت و تبعید محکوم نماید. حمله به کارگران و دستگیری و محکوم نمودن شان به زندان و تبعید، بخاطر تجمع در روز کارگر و بزرگداشت این روز، در واقع حمله به ابتدایی ترین حقوق و مطالبات اجتماعی و طبقاتی کارگران است.

"اتحاد کمیته های کارگری" از همه ی کارگران ایران و جهان، همه تشکل ها و فعالین کارگری و تمامی انسانهای برابر طلب و آزادیخواه، در ایران و سراسر گیتی می خواهد، تا ضمن دفاع از حقوق مسلم کارگران و محکومین اول ماه مه شهر سقز و تحت فشار قراردادن دستگاه قضایی و همه ی ارگانهای ذیربط، جهت لغو محکومیت و رفع اتهام از آنها - که در حقیقت بمنزله ی دفاع از حقوق همه ی کارگران، برای شرکت آزادانه در مراسم گرمی داشت روز جهانی کارگر محسوب می شود، در حد توان و مقدرات در مراکز کار، تولید و زندگی خویش به اقداماتی عملی و حتی المقدور متحدانه - هر اقدامی که خود صلاح می دانند- دست زده، سرمایه داران و عوامل آنها را در این جدال مشخص و حی و حاضر طبقاتی، یک گام اساسی به عقب برانند. تشکل ما نیز بعنوان یک تشکل کارگری، وظیفه خود می داند تا در حد توان از هیچ کوششی در جهت افشای قضیه و محکوم نمودن احکام بی اساس و ضد کارگری داده انقلاب سقز، فرو گذار ننموده، برای به صحنه کشاندن آحاد بیشتری از کارگران و فعالین کارگری، و اعتراض عملی و مشخص، جهت لغو احکام صادره و رفع اتهام از محکومین اول ماه مه سقز، تلاش و کوشش نماید.

"اتحاد کمیته های کارگری" - ۸۴/۹/۳ - [Komiteye\\_kargari@yahoo.com](mailto:Komiteye_kargari@yahoo.com)